

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

11418



دانشگاه قم

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بررسی شطحیات

در شعر فارسی قرن پنجم، ششم و هفتم

(با تأکید بر آثار سنایی، عطار نیشابوری و مولوی)

استاد راهنما:

دکتر علیرضا نبی‌لو

استاد مشاور:

دکتر محمد فولادی

نگارنده:

عاطفه خسروی زاده

۱۳۸۸ / ۷ / ۴

آرشیو اطلاعات مدرسه علمی بزرگ
تهیه و درج

زمستان ۱۳۸۲

۱۱۸۳۱۵

تاریخ: ۸۷، ۱۲، ۴

شماره: ۱۱، ۹۶۷

پیوست:

بیت



« صورت جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد »

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه الشریف»

جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد خانم: عاطفه خسروی زاده رشته: زبان و ادبیات فارسی
تحت عنوان: بررسی شطحیات در شعر فارسی قرن پنجم، ششم و هفتمم باتکیه بر آثارسنایی،
عطار نیشابوری و مولوی

با حضور هیأت داوران در محل دانشگاه قم در تاریخ: ۸۷ / ۱۱ / ۲۴ تشکیل گردید.
در این جلسه، پایان نامه با موفقیت مورد دفاع قرار گرفت و نامبرده نمره با عدد ۱۹ با
حروف **نوزده**
با درجه: عالی بسیار خوب خوب قابل قبول دریافت نمود.

امضاء	مرتبه علمی	سمت	نام و نام خانوادگی
	استادیار	استاد راهنما	آقای علیرضا نبی لوچهرقانی
	استادیار	استاد مشاور	آقای محمد فولادی
	استادیار	استاد ناظر	آقای احمد رضایی جمکرانی
	استادیار	استاد ناظر	آقای محمود مهر آوران
	استادیار	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی	آقای علیرضا نبی لوچهرقانی

رئیس امور آموزش و تحصیلات تکمیلی
نام و امضاء:

معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده
نام و امضاء:

نشانی:
قم، جاده قدیم اصفهان،
دانشگاه قم
کدپستی: ۳۷۱۶۱۴۶۶۱۱
تلفن: ۲۸۵۳۳۱۱
دورنویس:
معاونت آموزشی ۲۸۵۵۶۸۴
معاونت اداری ۲۸۵۵۶۸۶
معاونت دانشجویی ۲۸۵۵۶۸۸

تقدیم

تقدیم به پدرم بزرگ مرد زندگی ام او که «از میان نار و ناله گنجک های عاشق رابه صبح بخبره دعوت می کند» و مادرم «قوس سبز سعادت و خوشبختی» که «موسیقی دل انگیز رویدین» را در گوشم زمزمه می کند.

تقدیر و تشکر

حقیقت، هستی حضرت رب العالمین را پاس که بر بنده خویش منت نهاد و به دیده رحمت به وی
نگریست و توفیق قدم نهادن در مسیر علم و دانش را عطا نمود.

از زحمات استاد محترم جناب آقای دکتر نبی لاکه راهنمای بنده در این رساله بودند قدر دانی می‌کنم
و همچنین پاس خود را نسبت به رهنمودهای استاد گرانقدر جناب آقای دکتر فولادی تقدیم می‌دارم.
و از همه استادان ارجمند گروه زبان و ادبیات فارسی که در ایام تحصیل از محضرشان بهره‌مند
شدم سپاسگزار می‌نمایم.

امیدوارم باغ زندگیشان همیشه سرسبز و باطروا باشد و در پناه لطف و عنایت الهی محفوظ باشند.

چکیده

موضوع این رساله، بررسی شطحیات در شعر فارسی قرن ۵، ۶ و ۷ با تکیه بر آثار سنایی، عطار و مولانا است. در این رساله محقق در صدد است که به بررسی سخنان شطح‌آمیز در آثار سه شاعر مذکور بپردازد.

این تحقیق شامل کلیات و چهار فصل می‌باشد، سه فصل در مورد شطحیات سنایی، عطار و مولانا است، و فصل آخر به نتیجه‌گیری می‌پردازد.

در کلیات به ذکر معانی لغوی و اصطلاحی شطح پرداخته شده و سپس تاریخچه مختصری از شطح بیان گردیده است، موافقان و مخالفان شطح، علل شطح‌گویی، ملامت‌گیری و تأویل و... از مباحث دیگری است که بدان پرداخته شده است.

در ابتدای هر فصل به طور مختصر از زندگی و تغییر حال هر یک از سه شاعر سخن گفته شده و سپس به بررسی شطحیات آنان در سه محور مضامین، زبان و تصاویر اشاره شده است.

در قسمت مضامین به بررسی موضوع‌های مهم از قبیل بزرگداشت انسان، شطح مشایخ صوفی با محوریت خدا، توجه و تشویق نسبت به امور مذموم، ترک امور موجّه و تساهل نسبت به مقدّسات شرع و عرف و ستایش ابلیس، عجز فرشتگان و... پرداخته شده است.

در بخش زبان، اقوال و جمله‌های مکرر شطحی، واژه و ترکیبات ساخته شده شطح‌آمیز مانند فعل و اجزای جمله، اسم و صفت و ترکیبات متناقض‌نما مورد بررسی واقع شده است. و در بخش تصاویر، تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و تضاد در سخنان شطح‌آمیز بررسی شده است.

کلید واژه:

شطحیات، سنایی، عطار، مولوی

فهرست مطالب

۱.....	مقدمه
۱.....	مسأله تحقیق:
۲.....	بیان مسأله:
۲.....	فرضیات:
۳.....	روش کار:
۳.....	اهداف و اغراض و فواید این پژوهش:
۵.....	کلیات:
۵.....	معنای لغوی:
۶.....	معنای اصطلاحی:
۱۰.....	تاریخچه شطح و شطح‌گویی
۱۴.....	موافقان و مخالفان شطح (ردّ و اثبات)
۱۹.....	ارتباط شعر قلندری با شطح
۲۰.....	علل شطح‌گویی و ارتباط آن با رمز
۲۴.....	ملامتیگری
۲۵.....	تأویل
۲۸.....	تصوف
۳۰.....	شطح در شعر فارسی با تأکید گذرا بر آثار سایر شاعران

فصل اول: شطحیات سنایی..... فصل اول: شطحیات سنایی..... ۳۵

نگاهی گذرا به زندگی شاعر..... ۳۶

۱-۱. مضامین شطح‌آمیز..... ۴۱

۱-۱-۱. شطح در محدوده شخصی و فردی (جهان درون)..... ۴۳

۱-۱-۲. شطح در محدوده جامعه و کردار اشخاص در جامعه (جهان بیرونی)..... ۴۵

۱-۱-۳. شطح در حیطه امور فراجهانی و عالم غیب و مجردات..... ۵۱

۲-۱. زبان شطحیات..... ۵۴

۱-۲-۱. اقوال و جمله‌های مکرر مشایخ..... ۵۴

۲-۲-۱. واژگان و ترکیبات شطح‌آمیز..... ۵۶

۳-۲-۱. ترکیبات متناقض‌نما..... ۷۱

۳-۱. تصاویر شطح‌آمیز..... ۷۳

۱-۳-۱. تشبیه..... ۷۳

۲-۳-۱. استعاره..... ۷۳

۳-۳-۱. مجاز..... ۷۳

۴-۳-۱. کنایه..... ۷۳

۵-۳-۱. تضاد و تقابل..... ۷۴

نتیجه‌گیری..... ۷۶

فصل دوم: شطحیات عطار..... فصل دوم: شطحیات عطار..... ۷۷

نگاهی گذرا به زندگی شاعر..... ۷۸

۱-۲. مضامین شطح‌آمیز..... ۸۰

۱-۱-۲. شطح در محدوده شخصی و فردی (جهان درون)..... ۸۰

۲-۱-۲. شطح در محدوده جامعه و کردار اشخاص در جامعه (جهان بیرونی)..... ۸۴

۳-۱-۲. شطح در حیطه امور فراجهانی و عالم غیب و مجردات..... ۹۴

۲-۲. زبان شطحیات..... ۹۸

۱-۲-۲. اقوال و جمله‌های مکرر مشایخ..... ۹۸

۱۰۰	۲-۲-۲. واژگان و ترکیبات شطح‌آمیز.....
۱۲۳	۳-۲-۲. ترکیبات متناقض‌نما.....
۱۲۵	۳-۲. تصاویر شطح‌آمیز.....
۱۲۵	۱-۳-۲. تشبیه.....
۱۲۵	۲-۳-۲. مجاز.....
۱۲۶	۳-۳-۲. کنایه.....
۱۲۶	۴-۳-۲. تضاد و تقابل.....
۱۳۰	نتیجه‌گیری.....
۱۳۱	فصل سوّم: شطحیات مولوی.....
۱۳۲	نگاهی گذرا به زندگی شاعر.....
۱۳۴	۱-۳. مضامین شطح‌آمیز.....
۱۳۴	۱-۱-۳. شطح در محدوده شخصی و فردی (جهان درون).....
۱۳۹	۲-۱-۳. شطح در محدوده جامعه و کردار اشخاص در جامعه (جهان بیرونی).....
۱۴۶	۳-۱-۳. شطح در حیطه امور فراجهانی، عالم غیب و مجردات.....
۱۴۹	۲-۳. زبان شطحیات.....
۱۴۹	۱-۲-۳. اقوال و جمله‌های مکرر مشایخ.....
۱۵۲	۲-۲-۳. واژگان و ترکیبات شطح‌آمیز.....
۱۶۳	۳-۲-۳. ترکیبات متناقض‌نما.....
۱۶۵	۳-۳. تصاویر شطح‌آمیز.....
۱۶۵	۱-۳-۳. تشبیه.....
۱۶۵	۲-۳-۳. استعاره.....
۱۶۶	۳-۳-۳. مجاز.....
۱۶۶	۴-۳-۳. کنایه.....
۱۶۶	۵-۳-۳. تضاد و تقابل.....

۱۶۸	نتیجه گیری
۱۶۹	فصل چهارم: نتیجه گیری و مقایسه
۱۷۶	فهرست منابع

مقدمه

شطح یکی از مباحث اختصاصی تصوف است که به دلیل نامأنوس بودن با درک و ذوق عامه مردم مورد عنایت واقع نشده است و مورد رد و انکار از سوی طبقات مختلف جامعه قرار گرفته است. عده‌ای از صوفیان نیز بر آن تاخته‌اند و آن را رد نموده‌اند. از میان اشخاص مشهور در تصوف، ابن عربی، حلاج، بایزید، خرقانی و... سخنان شطح‌آمیز داشته‌اند. و شیخ روزبهان در این موضوع (شطح) کتابی با عنوان شرح شطحیات تدوین نموده است. این مسئله با عنوان پارادوکس از سوی غریبان مورد بررسی قرار گرفته است.

شطح سخنی است که ظاهراً با شریعت مخالف است. اگرچه ممکن است در حقیقت با باطن شریعت مخالفتی نداشته باشد. اغلب عرفا و صوفیان اهل سکر سخنانشان مشحون از شطحیات است. برخی شطح را انکار و برخی تأیید نموده‌اند و برخی در باره آن سکوت کرده‌اند.

آنان که با شطح مخالفت می‌کنند آن را ناشی از رعونت گوینده می‌پندارند و آنان که شطح را تأیید می‌کنند معتقدند شطح دلالت بر خودپسندی گوینده ندارد بلکه گوینده در حالی شطح می‌گوید که انانیت خود را از دست داده و در دریای بیکران حق فانی شده است. اکثر شطحیات صوفیه با تکیه بر مسأله وحدت وجود قابل توجیه است و بیشتر از همین عقیده نشأت گرفته است، هرچند ممکن است ظاهر آن متفاوت باشد.

مسأله تحقیق:

سؤال اصلی تحقیق در این رساله، این است که شطحیات چیست و جلوه آن در آثار سه شاعر مذکور (سنایی، عطار و مولوی) چگونه است؟ برای پاسخ دادن به این سؤال ابتدا باید ارکان مختلف این مسأله را مشخص کنیم.

بیان مسأله:

سؤالهای مهمی که برای رسیدن به پاسخی قانع کننده برای مسأله تحقیق مطرح است، عبارتند از:

۱. شطح در آثار سنایی، عطار و مولوی چه جایگاهی دارد؟
۲. در کدام آثار این شاعران مفهوم شطح بیشتر است؟
۳. چه ضرورت‌هایی سبب شده است که این شاعران به شطح‌گویی روی آورند؟
۴. اوصاف و ترکیبات شطحی این شاعران بیشتر ناظر به چه جنبه‌هایی است؟
۵. آیا می‌توان یک دسته‌بندی مناسبی از این موضوع در شعر سه شاعر مذکور به دست آورد؟
۶. پیشینه این بحث در سایر آثار چگونه بوده و شاعران مذکور تا چه حد از آن پیشینه بهره گرفته‌اند؟

فرضیات:

در این قسمت، در پاسخ به سؤالهایی که مطرح گردید، فرضیه‌های زیر مطرح گردیده است:

۱. نظر به اینکه شطح در آثار عرفانی صوفیان و شاعران عارف وجود دارد و از آنجا که هر سه شاعر مذکور از عارفان و صوفیان عصر خود بوده‌اند، این مفهوم در آثار این سه شاعر جایگاه ویژه‌ای دارد به خصوص در آثار مولانا که مفهوم شطح بسیار به چشم می‌خورد.
۲. با توجه به بررسی‌های انجام شده در این زمینه، مفهوم شطح در غزلیات شمس و دیوان سنایی و عطار بیش از دیگر آثارشان دیده می‌شود اما در مثنوی، حدیقه و منطق الطیر نیز اشعار شطح دیده می‌شود.
۳. عوامل مختلفی در شطح‌گویی این شاعران مؤثر است؛ از جمله: تغییر احوال روحی و روی آوردن به عرفان و تصوف طی حوادثی که برای این سه شاعر رخ داد و همچنین عوامل مختلف اجتماعی و سیاسی زمان آنها، سبب این امر شده است.
۴. این شاعران در اشعار خود به قدرتی در خود اشاره می‌کنند که می‌توانند بسیاری از

حدود و ثغور عالم ماده و معنا را تحت تأثیر قرار دهند. سخنان شطح‌آمیز این سه شاعر بیشتر باورها و دیدگاه‌ها را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

۵. با توجه به گستردگی مفهوم شطح و دخیل بودن عوامل مختلف در شطح‌گویی می‌توان آن را به مضامین مختلف دسته‌بندی کرد. همچنین از نظر زبانی و تصاویر قابل تقسیم‌بندی می‌باشد.

۶. هرچند کم و بیش در دیوان شعر بعضی شعرای قبل از قرن ۶ می‌توان شطحیات را جستجو کرد اما غیر از شعرا، در آثار صوفیان قرون اولیه شطحیات به چشم می‌خورد (کسانی همچون روزبهان بقلی). اما وسعت و گستردگی که در آثار این سه شاعر دیده می‌شود در آثار هیچ یک از شعرای قبل از آنها وجود ندارد.

روش کار:

روش کار در این پژوهش بدین گونه است که نخست مطالعات کلی در باب شطحیات انجام شده است تا به تعریف دقیقی از آن رسیده و محدوده کار رساله کاملاً مشخص شود. پس از آن به مطالعه نظریه‌هایی که درباره شطح در زبان عرفا ارائه شده بود، پرداخته شده است. آنگاه فیش‌برداری از آثار سنایی (دیوان، حدیقه، مثنویهای حکیم سنایی) صورت گرفته است. و پس از آن به مطالعه آثار عطار (دیوان، منطق الطیر، الهی‌نامه، مصیبت‌نامه، اسرارنامه) پرداخته شده است. سپس به مطالعه آثار مولوی (مثنوی و کلیات شمس) پرداخته شده است. و پس از آن فیش‌هایی تهیه شده به مضامین مختلف شطح‌آمیز، زبان شطحیات و تصاویر شطح‌آمیز تقسیم‌بندی شده است.

در ادامه پژوهش به مطالعه دیوان بعضی شاعران بزرگ قبل و بعد از سنایی پرداخته شده و نمونه‌هایی از سخنان شطح‌آمیز از آثار آنان استخراج شده است. به این ترتیب سابقه و پیشینه شطح در شعر شاعران پیش از سنایی به دست آمد.

اهداف و اغراض و فواید این پژوهش:

سنایی، عطار و مولوی از شاعران و عارفان بزرگ فارسی‌زبان و هر یک دارای آثار مهمی هستند که اهمیت جهانی دارد. همان‌طور که می‌دانیم شعر عرفانی با سنایی آغاز شد. شناخت و

بررسی شطحیات در آثار این شاعران ما را یاری می‌کند تا اندیشه‌های عرفانی را بهتر بشناسیم. شطحیات اغلب در آثار عرفانی چه نظم و چه نثر به کار رفته است و در شعر فارسی از قرن ششم هجری به بعد بیشتر یافت می‌شود.

رساله حاضر در بررسی شطحیات در آثار ادبی و عرفانی، تقسیم‌بندی شطحیات به مضامین، زبان و تصاویر مختلف روشی به دست می‌دهد که می‌تواند در بررسی بسیاری از آثار عرفانی به کار گرفته شود.

واضح است که در چنین راه ناهمواری، احتمال لغزش و خطا فراوان است. امید است این لغزشها چراغی باشد برای پویندگان آینده.

لذا از ساحت گرمی شما بزرگواران امید لطف و عنایت داشته و از محضر افراد علاقه‌مند به عالم علم و عرفان استدعا دارم که به خردی‌اش ننگرند و به تکمیلش همّت گمارند.

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

کلیات

رساله حاضر به موضوع «شطح» که یکی از مسائل مورد بحث در تصوف اسلامی است، می‌پردازد. برای درک مفهوم واقعی «شطح» باید تمام هوش و فراست روزبهان را در اختیار داشت تا بتوان مفهوم پنهان شده در گستاخی این پارادوکسها را دریافت.

در این قسمت با کمک کتب لغت و مراجع عرفانی نخست تعاریف لغوی و اصطلاحی «شطح» را تبیین و بررسی می‌کنیم و سپس به تاریخچه «شطح» بر مبنای آثار شطحی و شطح‌گویان، موافقان و مخالفان، علل شطح‌گویی و ارتباط آن با رمز، ملامتیگری، تأویل و تصوف و همچنین بررسی شطح در شعر فارسی می‌پردازیم.

معنای لغوی

متأسفانه فرهنگ‌های لغت در باره واژه «شطح» کمی مبهم برخورد کرده‌اند. اما آنچه برای ما اهمیت دارد استفاده خاص عرفا از آن است.

ماده «شطح» در فرهنگ‌های عربی مانند قاموس المحيط، لسان العرب و المنجد نیامده است، شاید از آن جهت که این کلمه را مقلوب «شطح» می‌دانند. مثلاً المنجد با نقل چند معنی مختلف از «شطح» از جمله آن را «دور شدن از مکان» آورده است و اصل کلمه را سریانی دانسته است.

از سوی دیگر فرهنگ‌های جدیدی چون اقرب الموارد و لاروس، ماده «شطح» را ضبط کرده‌اند و معانی تقریباً نزدیک و گاه یکسانی با «شطح» برای آن بیان نموده‌اند: «دور شدن، به درازا کشانیدن سخن».

می‌توان بیان کرد که وقتی کلمه از سریانی وارد زبان عربی شده است، نخست آن را مقلوب کرده - شطح به شطح قلب شده - و سپس معانی دیگری هم به آن اضافه شده و در معانی مختلف به کار رفته است.

معنی «شطح» در آندراج و فرهنگ نفیسی نیز یکسان است و «کلمه‌ایست که بدان بزغاله یکساله را زجر کنند و برانند» در لغت‌نامه دهخدا «شطح» به معنی «سرریز. دیگ» ضبط شده است و جمع آن «شطحیات» است. فرهنگ نوربخش و اللمع «شطح» را به معنی «حرکت»

بیان کرده‌اند.^۱

روزبهران بیان می‌کند:

«در عربیت گویند شَطْحٌ - يَشْطِحُ؛ اذا تحرك، شطح حرکت است».^۲

ادوارد ویچ طی تحقیقات خود چنین بیان می‌کند:

«اصطلاح شطح از فعل «شطح» مشتق شده و به معنی بیرون رفتن از کرانه

(در باره رودخانه) است».^۳

همانطور که مشخص است معانی لغوی «شطح» در کل به هم نزدیک است و تمام

تعاریف در نهایت یک معنی را القا می‌کند و آن حرکت است.

معنای اصطلاحی:

«شطح» نیز همانند برخی لغات، به جز معنی لغوی دارای معنی اصطلاحی است. معنی

اصطلاح «شطح» در کتب مختلف صوفیه بیان شده است و اکثر معانی به هم نزدیک است.

ابونصر سراج در تعریف «شطح» چنین بیان می‌کند:

«شطح سخنی است که ترجمان وجد باشد و از چشمه جان بجوشد و

چونان ادعا بنماید اما گوینده اش اهل دعوی نباشد بلکه ربوده حق و در

امان او باشد».^۴

«مرید سالکی هم که دچار جذب و هیجان روحی می‌گردد و توان و تحمل

نور و نیروی آب معنا را ندارد با سخنانی شگفت و شگرف از یافته‌های

۱. برای اطلاعات بیشتر راجع به معنی لغوی شطح می‌توان به کتب: اقرب الموارد، ص ۵۹۱؛ لاروس، ج ۲، ص ۱۲۶۶؛ آندراج، ج ۲، ص ۲۲۶؛ فرهنگ نفیسی، ج ۳، ص ۲۰۴۲؛ لغت‌نامه دهخدا، ج ۹، ص ۳۸۱؛ فرهنگ نوربخش، ج ۴، ص ۲۴۸ و اللمع، ص ۳۷۷ مراجعه کرد.

۲. بقلی شیرازی، روزبهران، شرح شطحیات، تصحیح و مقدمه هانری کرین، تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۷۴م=۱۳۷۴، ص ۵۶.

۳. برتلس، یوگنی ادوارد ویچ، تصوف و ادبیات تصوف، ترجمه سیروس ایزدی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲، ص ۳۵.

۴. سراج طوسی، ابونصر، اللمع فی التصوف، ترجمه مهدی محبتی، تصحیح و تحشیه رینولد آلن نیکلسون، تهران: اساطیر، ۱۳۸۲، ص ۳۷۷.

درون پرده بر می‌دارد و جمالی را نشان می‌دهد که جز اندکی، توان ادراک آن را ندارند، این «سرریزهای روح» در زبان تصوّف همان شطح است.^۱

پراهمیت‌ترین کتاب در این زمینه شرح شطحیات است که معنی «شطح» را چنین بیان می‌کند:

«در سخن صوفیان شطح مأخوذست از حرکات اسرار دلشان، چون وجد قوی شود و نور تجلی در صمیم سر ایشان عالی شود. به نعت مباشرت و مکاشفت و استحکام ارواح در انوار الهام که عقول ایشان (را) حادث شود، برانگیزاند آتش شوق ایشان به معشوق ازلی، تا برسند به عیان سراپرده کبریا، و در عالم بها جولان کنند. چون ببینند نظایرات غیب و مضمرات غیب غیب و اسرار عظمت بی‌اختیار مستی در ایشان درآید، جان به جنبش درآید، سر به جوشش درآید، زبان به گفتن درآید، از صاحب وجه کلامی صادر شود از تلّه‌ب احوال و ارتفاع روح در علوم مقامات که ظاهر آن متشابه باشد، و عبارتی باشد، آن کلمات را غریب یابند. چون وجهش شناسند در رسوم ظاهر، و میزان آن نبینند، به انکار و طعن از قایل مفتون شوند».^۲

هرچند روزبهان در تعریف یاد شده، متأثر از اقوال سراج است، اما او «شطح» را بسیار کلی‌تر و عام‌تر می‌بیند و معتقد است «شطح» فقط در کلام صوفیه جاری نشده و حتی پاره‌ای اقوال شطحی را به بزرگان دین نسبت می‌دهد. در نظر روزبهان حروف مقطعه نیز از جمله رموز شطحی است.

معنی «شطح» در منتخب اللغات، فرهنگی نفیسی و آندراج یکسان است و به سخنان خلاف شرع و چیزهای مخالف ظاهر شرع گفتن معنی شده است.

نویسنده تاج العروس معنی «شطح» را چنین بیان می‌کند:

«شطح عبارت است از سخنانی که در حال بیخودی و غلبه شهود حق از

۱. همان، ص ۴۰۴.

۲. بقلی شیرازی، روزبهان، ص ۵۷.

صوفیان صادر می‌شود به طوری که در آن هنگام جز حق نبیند.^۱
تمام تعاریف تقریباً یکسان است و همه شطح را ناشی از غلبه وجد بر گوینده آن می‌دانند.
جرجانی در تعریفات می‌نویسد:

«شطح کلمه‌ای است که از آن رایحه سبکسری، بی‌فکری و رعونت
استشمام می‌شود، شطح هنگام اضطراب و اضطراب از اهل معرفت صادر
می‌شود و از لغزشهای محققین است، شطح ادعای راستین است که عارف،
بی‌اذن الهی آن را آشکار می‌کند، شطح دلالت بر زیرکی و تیزهوشی
می‌کند.»^۲

ادوارد ویچ تعریفی نسبتاً متفاوت بیان می‌کند:

«شطح راز دل‌گویی بدون اختیار است زیر فشار موج احساسات.»^۳

باخرزی در اوراد الاحباب چنین بیان می‌کند:

«شطح را سخنی گویند که ظاهر آن به ظاهر شرع راست نبود، اما حالی
که آن سخن نتیجه آن حال است، به حق باشد.»^۴

با توجه به تعاریف یاد شده می‌توان چنین بیان کرد که: «شطح» سخنی است که عارف
در حالت شوریدگی و انقلاب درونی، بی‌اختیار به زبان می‌راند و در این حالت که وجد و
شور بر او تسلط یافته، اختیار بر او نیست و به ظاهر سخنانی می‌گوید که خلاف شرع است و
به کفر می‌ماند اما در باطن چنین نیست. یحیی یثربی ضمن نتیجه‌گیری از مباحث مختلف
درباره «شطح» می‌نویسد:

«شطح آن سخن ظاهراً غریب و نامأنوس و نامعقول است و احیاناً خلاف
شرع که بر زبان عارف سراپا شور و هیجان، در اوج وجد و مستی و

۱. الحسینی الواسطی الزیدی، سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار مکتبه الحیاه، ۱۳۰۶، ج
۲، ص ۱۷۲.

۲. جرجانی، سید شریف، تعریفات، ترجمه حسن سید عرب و سیما نوریخس، تهران: فرزانه روز، ۱۳۷۷، ص ۹۳.

۳. برتلس، یوگنی ادوارد ویچ، ص ۳۵.

۴. باخرزی، ابوالمفاخر یحیی، اوراد الاحباب و فصوص الآداب، به کوشش ایرج افشار، تهران: فرهنگ ایران زمین،
۱۳۵۸، ص ۵۹.

جذبۀ جاری می‌شود که معنی و سرّ و ارزش آن برای اهل حال و معنی، یا روشن و آشکار است و یا اگر هم روشن نباشد باز هم جای هیچ انکار نیست، چه اذعان دارند که آن سخنان نه خلاف حقیقت است و نه ضدّ شریعت آنچه مسلم است بیان و نشانی است از یک حالت و ادراک عمیق، گرچه فقط برای او قابل درک و فهم نباشد. اما آنان که ناهلند و غافل و مقید به ظواهر عقل و شرع، طبعاً آن سخنان را دور از عقل و منطق و سراپا کفر و ضلالت و احیاناً جنون و ادّعیای پوچ و بی‌اساس تلقّی می‌کنند.^۱

در کشف آمده:

«سطح عبارت است از کلام فراخ گفتن بی التفات و مبالات چنانچه بعضی بندگان هنگام غلبه حال و سکر و غلبات گفته‌اند: فلا قبول لها و لا ردّ لا یؤخذ ولا یواخذ»^۲.

نکته‌ای که در معنی لفظی و اصطلاحی «سطح» شایسته توجه است، وجود عنصر (حرکت و جنبش) است. این تحرک در مورد شخص شطّاح از درونش می‌جوشد و غلیان آن به گونه‌ای است که در گفتارش نمودی دیگر می‌یابد و به صورتی در می‌آید که از آن به «سطح» تلقّی می‌شود.

چنانکه ملاحظه می‌شود، تعاریفی را از میان تعریفهای گوناگون انتخاب نمودیم و در این بحث آوردیم تا ضمن بررسی تعریفهایی نه چندان متشابه بتوانیم تصویری کلی و صحیح و دقیق از «سطح» در دست داشته باشیم و به مباحث بعدی پردازیم. در نهایت، می‌توان گفت هیچ کدام از تعاریف ذکر شده را نمی‌توان رد کرد اگرچه برخی از آنها در مقابل هم قرار دارند، چرا که ارزش‌گذاری و توجیه امری متشابه با توجه به شخصیت، روحیه و خودآگاه و ناخودآگاه و مقام افراد متفاوت است، حتی اگر این امر متشابه آیات قرآن باشد.

۱. یثربی، سید یحیی، فلسفه عرفان، قم: تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۴، ص ۳۸۲.

۲. تهانوی، محمد اعلی بن علی، کشف اصطلاحات فنون، تهران، [بی‌نا]، ۱۹۶۷، ص ۷۳۵.

تاریخچه شطح و شطح‌گویی

درباره تاریخ شطح با توجه به تصوّر ما از معنای شطح و گستره معنایی شطح دو نظر می‌توان ارائه کرد:

۱- روزبهان شطّاح معروف قرن ششم هجری که احوال روحانی خود را در دو کتاب کشف الاسرار و عبهر العاشقین بیان نموده است و همچنین در کتاب شرح شطحیات به جمع‌آوری سخنان شطح‌آمیز عرفا پرداخته است، چنین بیان می‌کند:

«ابتدا از شطح حق گرفتم - جلّ اسمه - و اسرار حروف تهجی بگفتم و احکام شطح متشابهات حدیث بیان کردم. بعد از آن شطح خلفای اربع (رضوان الله علیهم) بگفتم با کلماتی چند از رمز تابعیان تا تمهید کتاب باشد، و به حجّت مقالت شطح بعد از آن شرح شطحیات عاشقان بگفتم، و ابتدا به کلام ابراهیم ابن ادهم و ابوعلی سندی و ابویزید کردم. از آن ابوالمغیث (حلاج) به آخر همه شرح کردم»^۱.

روزبهان معتقد است که شطح فقط در کلام صوفیه جاری نشده است، حتّی پاره‌ای از این گونه سخنان را به بزرگان دین و خلفای راشدین نسبت می‌دهد. خطبه شقشقیه حضرت علی (ع) را نیز از این مقوله می‌داند. در نظر روزبهان فواتح سور و حروف مقطعه از جمله رموز شطحی است. و کلماتی از بزرگان دین را شطح دانسته و آن را ناشی از غلبه سکر و استیلائی وجد بر ایشان می‌داند.

از جمله:

«خلق الله آدم علی صورته، رأیت ربّی فی احسن صورته، وجدت برّد

انامله، الكرسيّ موضع القدمین، ينزل الله كلّ ليلة»^۲.

چنانکه واضح است روزبهان شرح عاشقان (عرفا) را مسبوق به کلام خدا و رسول و خلفا و تابعیان می‌داند، در چنین نگرشی پرواضح است که شطح از ازل برآمده و تا ابد جاری

۱. بقلی شیرازی، روزبهان، ص ۱۳.

۲. همان، ص ۶۲.